

The Characteristics and Approaches of Qasasun in the Field of Qur'an Interpretation in the Early Islamic Centuries

Ali Asghar Asghari Valujai 

Ph.D. student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

Hamid Mohammad Ghasemi 

Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Iran

Seyyed Hossein Hosseini Karnami 

Visiting Associate Professor of the Department of Islamic Studies, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran and Associate Professor of the Department of Islamic Studies, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Abstract

One of the most effective verbal tools and styles in conveying the concepts and experiences of the nation, which has an ancient history, is storytelling. Stories and storytelling are not specific to a specific culture and land and have existed in every nation and society for a long time. Contrary to Jahiliyyah, where the ignorant storytellers used to tell stories for entertainment, education, and lessons in the Islamic society, this art got a religious color and the newly Muslim Jewish Qasasun used the teachings of their previous religion (Judaism) in the envelope of the Islamic religion, using the style of storytelling. They entered the culture of the society. Qasasun is a little-known and unorganized group that has had an effective presence in Islamic society for several centuries in such a way that in the books of Rijal

* Corresponding Author: dr.ghasemi2021@gmail.com

How to Cite: Asghari Valujai, A. A., Mohammad Ghasemi, H., Hosseini Karnami, S. H. (2024). The Characteristics and Approaches of Qasasun in the Field of Qur'an Interpretation in the Early Islamic Centuries, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(55), 67-96. DOI: 10.22054/rjqk.2023.67845.2610

and translations of the early and middle centuries of Hijri, besides mentioning various guilds of scholars, the group of "Qassasun" is also mentioned. And the word has come out. Since the fields of hadith, history and interpretation have been among the main materials and tools of Qasasun's speeches, their influence on Islamic culture is wide and significant. One of the areas where Qasasun's approach has not been spared is the field of Qur'an interpretation. Our goal in this research is to research and explain the characteristics and reasons of Qasasun's approaches to the field of Qur'an interpretation in the early Islamic centuries. The method of this research is a descriptive-analytical method based on library documents. The findings of the research show that the nature of the activity of this group in the field of interpretation of the Holy Qur'an was in conflict with the contents of the verses of the Qur'an and the teachings of Islam. One of the characteristics of Qasasun's negative approach to the interpretation of the Qur'an is verbosity in the interpretation of the Qur'an and the expression of marginal and unhelpful content while explaining and interpreting the contents of the Qur'anic verses. Even in the interpretation of words from the Qur'an that had a clear meaning or a clear and unambiguous appearance, they quoted long and strange words. Another characteristic of Qasasun's negative approach to interpreting the Qur'an is the distorted interpretations of the character and history of the divine prophets and the noble Prophet of Islam (PBUH). This distorted approach, the purpose of which is to destroy the spiritual and divine personality of the prophets, is based on intense piety, asceticism and pure worship of God Almighty, and an all-round, continuous and very strict jihad against the ego, lusts, carnal and satanic desires, and the purity of the prophets is essential in perceiving, communicating and acting on the divine revelation and their virtue, and lowering the status of the prophets to the understanding of the inferiority of human beings is a captive and a slave to the lusts of the self and is all materialistic and worldly. Another characteristic of the negative approach of Qasasun in the interpretation of the Qur'an is the distortion and destruction of the foundations and fundamental principles of the religion of Islam, that is, its principles, including monotheism, prophethood, resurrection and imamate, were exposed to distortion and misunderstanding and emptying it of the revealed teachings of the Qur'an. The main reason


for the activity and negative and destructive approach of Qasasun in the interpretation of the Holy Qur'an is the lack of knowledge of Qasasun in the science of Qur'an interpretation and its rules. It is also a complete and comprehensive reliance on Israel. Punishers and Jews made a lot of effort to match the Holy Quran with the Torah. They constantly tried to make the Qur'an appear like the Torah, full of stories and legends, and to relate the myths and legends with the verses of the Qur'an. The Jews looked at the Torah as the divine book, and in their opinion, the narrations that did not agree with it were considered false. They put the Torah on the same level as the Qur'an.

Keywords: Qasasun, Qur'an interpretation, Israelite, Quranic stories, Islam



ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در سده‌های اولیه اسلامی


دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

علی اصغر اصغری ولوجایی 

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

حمید محمدقاسمی * 

دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

سیدحسین حسینی کارنامی 

چکیده

یکی از ابزارها و اسلوب‌های کلامی تأثیرگذار و کارآمد در انتقال مفاهیم و تجارب امت‌ها که پیشینه‌ای کهن دارد، قصه و قصه‌گویی است. در جامعه‌ی اسلامی، این فن، صبغه دینی یافت و قصاصون یهودی تازه مسلمان، آموزه‌های آئین پیشین (یهودیت) خود را در لفافه دین اسلام با استفاده از اسلوب قصه‌گویی، وارد فرهنگ جامعه نمودند. یکی از حوزه‌هایی که رویکرد قصاصون در امان نمانده است، حوزه تفسیر قرآن است. هدف ما در این تحقیق، بررسی و تبیین تحقیقی ویژگی‌ها و دلایل رویکردهای قصاصون به حوزه تفسیر قرآن در سده‌های اولیه اسلامی است. روش این تحقیق، روش توصیفی - تحلیلی متکی به اسناد کتابخانه‌ای، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ماهیت فعالیت این گروه در حوزه تفسیر قرآن کریم، در تعارض با مفاد آیات قرآن و آموزه‌های اسلام قرار داشت. پراگویی در تفسیر قرآن و ذکر مطالب حاشیه‌ای در تفسیر آیات قرآنی و تفاسیر تحریف آمیز از شخصیت و تاریخ وقایع انبیای الهی و نبی مکرم اسلام (ص) و تحریف و تخریب مبانی و اصول بنیادین دین مبین اسلام، سه خصوصیت رویکرد منفی قصاصون به تفسیر قرآن کریم است و دلایل اصلی فعالیت و رویکرد منفی و مخرب قصاصون در تفسیر قرآن کریم، عبارت از عدم آگاهی قصاصون به علم تفسیر قرآن و قواعد آن و نیز اتکا و ابتدای کامل و همه جانبه بر اسرائیلیات می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: قصاصون، تفسیر قرآن، اسرائیلیات، قصص قرآنی، اسلام.

* نویسنده مسئول: dr.ghasemi2021@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از ابزارها و اسلوب‌های کلامی تأثیرگذار و کارآمد در انتقال مفاهیم و تجارب امم که پیشینه‌ای کهن دارد، قصه و قصه‌گویی است. انسان نیز طبعاً از میان سایر وجوه گفتاری، گرایش بیشتری به اسلوب و استماع قصه دارد. به همین دلیل، در دنیای کنونی هم قصه‌ها و داستان‌ها بسیار مورد توجه هستند و از این اسلوب برای تحت تأثیر قرار دادن افکار و روحيات و تمایلات افراد استفاده می‌کنند (ر.ک؛ بلاغی، ۱۳۸۱: ۴۴۱).

قصه و قصه‌گویی مختص به یک فرهنگ و سرزمین خاص نبوده و در هر قوم و جامعه‌ای از دیرباز وجود داشته است. شبه جزیره حجاز در عصر جاهلیت نیز از جمله سرزمین‌هایی بوده است که قصه‌گویی در آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و هر قبیله، قصه‌سرای ویژه خود را داشت که برای سرگرمی و پند و عبرت از این فن بهره می‌جستند.

این پدیده با ظهور اسلام پس از توقف اندکی، مجدداً باز تولید شد. برخلاف جاهلیت که قصه‌گویان جاهلی به جهت سرگرمی، پندآموزی و عبرت به قصه‌گویی می‌پرداختند، این بار در جامعه‌ی اسلامی، این فن، صبغه دینی یافت و قصاصون یهودی تازه مسلمان، آموزه‌های آئین پیشین (یهودیت) خود را در لفافه دین اسلام با استفاده از اسلوب قصه‌گویی، وارد فرهنگ جامعه نمودند.

۱-۱. بیان مسأله

به‌طور کلی، مؤلفه‌هایی از قبیل وجود مناسبات فرهنگی و اجتماعی ریشه‌دار در پیش از اسلام میان یهودیان با اعراب جزیره‌العرب، خلأ عمیق فرهنگی ایجاد شده پس از پیامبر (ص) و بهره‌برداری یهودیان تازه مسلمان از این خلاء، سیاست نادرست حکام و انزوای اهل بیت پیامبر (ص)، ایجاز آیات قرآن، سطحی‌نگری عمومی در بین مسلمانان، حمایت خلفا از قصاصون تازه مسلمان و صدور بخش‌نامه‌های رسمی برای جلوگیری از نقل حدیث، مهم‌ترین علل رواج قصه‌گویی در قرن اول هجری است (ر.ک؛ احمد امین، بی تا، ج ۲: ۱۳۹).

واقعیت این است که قصاصون گروهی کمتر شناخته شده و فاقد سازمان‌یافتگی‌اند که چند سده در جامعه اسلامی، حضور مؤثری داشته‌اند به گونه‌ای که در کتب رجال و تراجم سده‌های متقدم و میانه هجری، در کنار ذکر اصناف مختلف دانشمندان، از گروه «قصاصون» نیز یاد شده و سخن به میان آمده است. از آنجا که حوزه‌های حدیث، تاریخ و تفسیر، از جمله مواد و دستمایه‌های اصلی سخنوری‌های قصاصون بوده است، حیطه تأثیرگذاری آنها در فرهنگ اسلامی، گسترده و قابل توجه است.

بر همین اساس، یکی از حوزه‌هایی که از عملکردها و اثرات رویکرد قصاصون در امان نمانده است، حوزه تفسیر قرآن است. مسئله ما در این تحقیق، چگونگی رویکرد قصاصون به حوزه تفسیر قرآن و اثرات و دلایل این رویکرد است.

۱-۲. روش پژوهش

در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی متکی به اسناد کتابخانه‌ای، تلاش می‌کنیم به پرسش‌های تحقیق، پاسخ‌های مستند، دقیق و مستدلی ارائه دهیم.

۱-۳. پیشینه پژوهش

درباره موضوع «قصاصون» مقالات زیادی نگارش یافته است اما اهم مقالاتی که به عنوان پیشینه این پژوهش به شمار می‌روند و به طور کلی، موضوع شان، نسبت قصاصون و حوزه تفسیر قرآن کریم است، عبارت از موارد زیر هستند:

الف) مقاله «القصص و القصص فی صدر الإسلام» نوشته «جمال محمد داود جوده» در دمشق، (شماره ۳۳ و ۳۴) که در آن، کلمه قصص و مشتقات آن در قرآن و نسبت قصص و قصاصون با موعظه و اهل موعظه در قرن اول هجری بررسی شده است.

ب) مقاله «بررسی و نقد اسرائیلیات در تفسیر قرآن و احادیث اسلامی» نوشته «محمد ایزدی مبارکه» (۱۳۸۶ ش) است که در آن به بررسی نفوذ و رواج اسرائیلیات در تفاسیر قرآن و احادیث اسلامی و دلایل این نفوذ مانند عدم تدوین حدیث و گزیده بودن قصص قرآن می‌پردازد.

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در ...: اصغری ولوجایی و همکاران | ۷۳

ج) مقاله «اسرائیلیات و منقولات عهدینی در تفسیر وزیر مغربی (۴۱۸-۳۷۰ ق) موسوم به المصابیح فی تفسیر القرآن» نگارش «منصور قهرمان و همکاران» (۱۳۹۴ ش) است و نتایج آن، حاکی است که تفسیر مغربی، تنها تفسیری است که در آن، از همه روش‌های نقل اسرائیلیات در آن استفاده شده با این تفاوت که در قیاس با تفاسیر پیش از خود، روایات موسوم به اسرائیلیات را به حداقل رسانده است.

د) مقاله «تاثیر اسرائیلیات بر چگونگی انعکاس قصه آفرینش آدم در متون منشور عرفانی فارسی (از قرن پنجم تا پایان قرن هفتم)» نوشته «داوود اسماعیل نیا و همکار» (۱۳۹۶ ش) که نویسندگان در این مقاله، استنتاج کردند که قصه پردازی اسطوره‌ای از ماجرای خلقت، ریشه در اسرائیلیات دارد اما عارفان ایرانی مسلمان از آن به عنوان وسیله‌ای برای بیان مباحث عرفانی بهره گرفتند.

ه) مقاله «تحلیل انتقادی روایات اسرائیلی پیرامون زندگی حضرت سلیمان (ع) بر مبنای قرآن کریم» از «محمد جانی پور و همکاران» (۱۳۹۶ ش) است. نویسندگان این مقاله این استنتاج را می‌نمایند که وجود برخی روایات جعلی موسوم به اسرائیلیات ذیل آن دسته از آیات قرآن کریم که سیره و سلوک انبیاء و اولیاء الهی را به عنوان الگوی کامل انسانیت ترسیم می‌نمایند، اثرات تخریبی بیشتری نسبت به دیگر آیات قرآن دارد.

و) مقاله «بی جویی میزان تأثیرگذاری ابن جریر در ترویج اسرائیلیات» نوشته «فاطمه ژیان» (۱۳۹۸ ش) است که نویسنده آن نشان می‌دهد که غیر از چند مورد محدود، اثری از اسرائیلیات در روایات و آرای تفسیری ابن جریر دیده نمی‌شود و از این رو، نمی‌توان او را مرجع عمده انتشار اسرائیلیات در منابع تفسیری دانست.

ز. مقاله «اسرائیلیات در تفسیر منهج الصادقین با تأکید بر داستان نوح (ع) در سوره هود (ع)» نوشته «مینا شمخی و همکار» (۱۳۹۸ ش) است. این پژوهش نشان می‌دهد که در تفسیر شیعی «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» نگاشته ملا فتح‌الله کاشانی، روایات اسرائیلی به چشم می‌خورد و مفسر، گاهی این روایات را برای نقد ذکر کرده اما در برخی موارد، مخصوصاً در داستان‌های انبیاء مانند داستان حضرت نوح (ع)، روایات اسرائیلی را

بدون هیچ نقدی آورده است.

همان طور که روشن است هیچ یک از مقالات فوق، به بررسی موضوع پژوهش حاضر که بررسی خصایص رویکرد قصاصون به تفسیر قرآن و علل و اثرات است، نپرداخته‌اند و از این جهت، این پژوهش، واجد نوآوری تحقیقی در این موضوع است.

۱-۴. پرسش‌های تحقیق

بر همین اساس، پرسش‌های تحقیق از قرار ذیل است:

رویکرد قصاصون به حوزه تفسیر قرآن در سده‌های اولیه اسلامی واجد چه ویژگی‌هایی بوده است؟
دلایل رویکرد خاص قصاصون به حوزه تفسیر قرآن در سده‌های اولیه اسلامی، کدام است؟

۲. مبانی نظری پژوهش

ماهیت و چگونگی فعالیت قصه‌گویان در بطن فرهنگ اسلامی به خصوص در حوزه تفسیر قرآن به این صورت بوده است که آنها تلاش می‌کردند قصص قرآنی را که به علت سبک خاص بیان قرآن که بیشتر مبتنی بر ایجاز‌گویی و اشارات به مهم‌ترین قطعات وقایع انبیاء است، با استفاده از روایات و حکایات و قصص مأخوذ از منابع یهودی که عمدتاً واجد عناصر و جنبه‌های تحریف‌شده، غیر منطبق بر واقعیت و مخالف با آموزه‌های بنیادین اسلامی از قبیل توحید و عصمت انبیاء و ... و موافق با آموزه‌های تحریف‌یافته یهودیت است، برای مسلمین تفسیر می‌کردند. آنها در اغلب موارد به روایت صرف این قصص و روایات تحریف‌شده مشحون از اکاذیب، بسنده نمی‌کردند بلکه برای جلب و جذب بیشتر مخاطبان، از معجون‌های عناصر تخیل و عاطفه، اسطوره و افسانه و شور و احساس و مبالغه به وفور بهره‌جسته و با بازروایی تحریف‌آمیزتر و غنی‌تر شده از داستان‌سرایی‌های خیالی و اکاذیب بزرگ‌تر، وقایع داستان را در جان مخاطبان می‌ریختند تا جایی که قصص منقول از ناحیه قصاصون که در ذیل آیات و قصص قرآنی به عنوان تفاسیر و روایات تفصیلی

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در ...؛ اصغری ولوجایی و همکاران | ۷۵

حاکمی از مفاد اجمالی قصص قرآنی برای مردم بیان می‌شد، از منظر محتوا و مضمون مانند همه قصه‌های بشری، لبریز از راست و ناراست، سره و ناسره، حقیقت و افسانه، کژی و ناکژی، غث و سمین و لازم و حشو بود.

در واقع، نفس فعالیت و محتوای کار قصاصون یعنی تفسیر آیات قرآنی یا قصص قرآنی با استفاده از داستان‌ها و روایات خرافی و به شدت تحریف شده و خالی از قداست و معنویت ادیان الهی، از اساس و به صورتی مشهود با سبک و سیاق و مضامین اجمالی قصه-های قرآنی و آیات الهی در تعارض و ناسازگاری است. با تأمل و تدبر و دقت در قصص قرآنی، به وضوح در می‌یابیم که قصص قرآنی دارای ساختار منحصر فردی هستند و با مفهوم رایج قصه که مبتنی بر قوه خیال بشری و زایش‌ها و خلق تصاویر عاری از واقعیت آن یا برگرفته از واقعیت و تجارب زندگی بشری با کم و زیاد نمودن اجزای آنها و دخل و تصرف‌های فراوان و انطباق یابی آن با احساسات و شادی‌ها و رنج‌ها و غم‌ها و آرزوی‌های بشری همراه است، تفاوت و تمایز دارد و از اساس و جوهره، نگرش، رهیافت و قالب و روایت با سایر قصص، تفاوت و تمایز ماهوی و پر دامنه دارند.

به طور کلی، قصص قرآنی از خصایصی مانند واقع‌گرایی، حقیقت‌گویی، عدم اهمیت به زمان و مکان، حذف گفت‌وگوها و زمان‌های مرده، درستی گزاره‌ها، عدم اعتنا به روایت خطی و شکسته شدن وحدت زمانی، استفاده حد اقلی از عنصر زن، طرح ناگهانی و بی‌مقدمه قصه، مجمل‌گویی و خلاصه‌گویی و اشاره به اصل داستان، گفت‌وگوهای میان قصه‌ای، عقیف‌گویی و سربسته و مرموز گذاشتن برخی موضوعات و ... برخوردار است. به عبارت دیگر، داستان‌های قرآن در اسلوب‌های منحصر به فردشان و در لابه‌لای آیات و شرح حال پیشینیان آمده است تا مؤمنین از زندگی و سرگذشت آنها بیاموزند و بر تذکر و تعقل و معرفت و ایمان دینی و عمل صالح آنها افزوده شود. (ر.ک: شجاع پوریان، پاییز و زمستان ۱۳۹۲: ۱۱۳)

بنابراین ماهیت فعالیت قصاصون در مواجهه با قرآن و تفسیر آیات الهی آن، ماهیتی معارض با قرآن و منطوق و مفهوم مفاد آیات آن و نیز غرض آیات الهی که هدایت مردم

به سمت توحید، تعقل، معرفت مطابق با واقع و نیز طهارت و عصمت انبیای الهی و تعالی و تکامل مبتنی بر ایمان و آگاهی صحیح دینی است چرا که قصاصون، کانون و هندسه فعالیت خود را بر نوعی بی بند و باری در شرح قصص و آیات قرآنی قرار داده بودند و برای بر ساختن اجزای فعالیت و تفسیر خویش از آیات قرآنی، از مواد مختلف تاریخی، داستانی و خیالی و ... استفاده می کردند فارغ از اینکه این مواد و مفاد آنها چقدر با واقعیت و حقایق دینی و تاریخی و نیز مهم تر از همه، با مبانی دین مبین اسلام و مفاد وحی قرآنی منطبق و سازگار است.

۳. مفهوم شناسی

در اینجا به اختصار مفهوم واژه‌های اصلی مقاله را تبیین می‌نمایم.

۳-۱. قصه

قصه بر وزن «فَعْلَةٌ» مصدر نوعی و جمع آن قِصَصٌ، أَقْصُوصَةٌ، أَقْصِیصٌ و مترادف القِصَّة و به معنای خبر، حدیث، امر، شأن، داستان، سخن، رمان و آنچه نوشته شود، آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ج ۷، ص: ۷۳) واژه قِصَصٌ، به فتح قاف و صاد، مصدر و اسم هر دو آمده است و از ماده «قص» نیز به معنای داستان، سرگذشت و نقل و تعقیب قصه به کار رفته و نام یکی از سوره‌های قرآن می‌باشد. اصل قصّ و قصص به معنی پی جویی است. سرگذشت را از آن رو قصص و قصه گویند که گوینده آن را تعقیب می‌کند و در دنبال آن است. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۶، ص: ۱۱) در کتب لغت فارسی نیز قصه را معادل و مترادف داستان، رمان، داستان‌های تخیلی، خبر، حدیث، قصه مکتوب، حکایت و افسانه دانسته‌اند و تفاوتی میان این واژه‌ها نگذاشتند. (معین، ۱۳۹۱: ذیل واژه قصه) در قرآن کریم واژه «قصه» و جمع آن «قِصَصٌ» نیامده است ولی کلمه قِصَصٌ، در مجموع هفت بار در قرآن کریم ذکر شده که شش مورد آن در ضمن آیات آمده و یک مورد هم نام سوره بیست و هشتم قرآن است. «برای مفهوم قصه در قرآن کریم، سایر اصطلاحات مترادف با آن از جمله: «نبأ»، «حدیث»، «مثل»، «آیه» و ... به کار رفته که حکایت از بیان سرنوشت پیشینیان دارد.

۲-۳. قصاصون

قاص، قصاص، [قص]: قصه گو و داستان سرا؛ کسی که حرفه او چیدن گُرک‌های شتر و مانند آن باشد. قاص، کسانی بودند که قصص بنی اسرائیل را عموماً از ماخذ قصه‌ها، اخبار و روایات یهودی همانند تورات و تلمود می‌گرفتند (ر.ک؛ جعفریان ۱۳۷۸: ۶۴؛ ابن قتیبه، ۱۴۰۸: ۲۷۰؛ عاملی، ۱۳۷۶: ۱۲۹).

قصاصون، یهودیان تازه مسلمانی بودند که قصص بنی اسرائیل را عموماً از ماخذ قصه‌ها، اخبار و روایات یهودی همانند تورات و تلمود بر می‌گرفتند و آنها را برای مردم با عناوینی مانند «اهل تورات گویند»، «بعضی اهل کتاب گفته‌اند»، «برخی از کتب پیشینیان گفته‌اند» نقل می‌کردند (ر.ک؛ جعفریان ۱۳۷۸: ۶۴؛ ابن قتیبه ۱۴۰۸: ۲۷۰؛ عاملی، ۱۳۷۶: ۱۲۹).

برجسته ترین قصه گویان قرن اول هجری نظیر کعب الاحبار، وهب بن منبه، عبدالله بن سلام، محمد کعب قرظی اند که یا یهودیان تازه مسلمان‌اند یا یهودی زاده هستند (ر.ک؛ الفؤادی، ۱۹۶۶: ۲۷) و از برجسته‌ترین قصه سرآهایی که اهتمام ویژه‌ای به تفسیر قرآن داشتند و پیرامون آیات قرآنی قصه‌گویی می‌کردند، باید به این افراد اشاره کرد: مجاهد بن جبر، قصص گو و مقری مکه (م ۱۰۲ق)؛ عطاء بن یسار قصه‌گوی مدینه (م ۱۰۳ق)؛ قتاده بن دعامة، قصه‌گوی بصره (م ۱۱۸ق) و عبید بن عمیر، قصه‌سرای مشهور و معتمد مکیان، روایتگر قرائت قرآن از عمر بن خطاب و ابی بن کعب بوده است (ر.ک؛ ابن جزری، ۱۳۵۱: ج ۱، ۴۹۶) وی مفسر قرآن نیز خوانده شده است (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۵۶).

اما شاید برجسته‌ترین شخصیت تفسیری در میان قصه‌گویان، مقاتل بن سلیمان، قصه‌گوی خراسان (م ۱۵۰ق) باشد. مهم‌ترین تفسیر برجای مانده قصاصون، از آن مقاتل بن سلیمان است و گرچه همواره از همان قرون متقدم، با نقدهای بسیار همراه بوده است اما بودند کسانی چون عباد بن کثیر، که مقاتل را آگاه‌ترین فرد زنده نسبت به معارف قرآن می‌دانستند (ر.ک؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۱۶۴) قولی نیز به شافعی انتساب یافته است که او مردمان را وامدار چهار تن می‌داند که در زمینه تفسیر قرآن، به مقاتل بن سلیمان

اشاره کرده است (ر.ک؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۱۶۳) علاوه بر این، از قصاصون تفسیر گرای شیعی، باید به قتیبه بن احمد معروف به أبو حفص بخاری (م ۳۱۶ ق) اشاره داشت که نامش در طبقات المفسرین به ثبت آمده (ر.ک؛ سیوطی، بی تا، ج: ۷۷) و صاحب اثری مطول در تفسیر قرآن بوده است (ر.ک؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۴: ۱۴۸) اثر وی به نام «تفسیر قتیبه» (آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۴: ۳۰۱) امروزه موجود نمی باشد.

۳-۳. اسرائیلیات

در فرهنگ و ادبیات اسلامی، به داستان‌ها و قصصی که قصاصون از مأخذ یهودی و فرهنگ یهودیت، اخذ و در میان اخبار و روایات و تفاسیر اسلامی، وارد کردند، «اسرائیلیات» گفته می شود. این قصص در قرآن و احادیث نبوی نیامده است و در بیان مفسران و محدثان این اصطلاح، مفهوم به شدت منفی و طرد کننده‌ای به خود می گیرد و بر عقاید و داستان‌های خرافی دروغ و بی اساسی اطلاق می شود که توسط علمای تازه مسلمان اهل کتاب به ویژه یهودیان از قرن اول هجری در میان مسلمانان رواج می یافت (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ۸۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۴۴؛ دهانی، ۱۳۹۸: ۴).

۳-۴. تفسیر قرآن

تفسیر قرآن، علمی است که در آن، تلاش می شود مفاهیم و دلالت‌های ظاهری و عقلی و استنتاجی قرآن به روش‌های مختلف از جمله رجوع به کتب اهل لغت و نیز با استفاده از روایات صادره از رسول خدا (ص)، نظرات اصحاب و تابعین، تبیین و شرح گردد.

۳-۵. سده‌های اولیه اسلامی

منظور از سده‌های اولیه اسلامی، قرن اول و دوم هجری است که قصاصون فعالیت گسترده‌ای داشته‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق حاضر به ترتیب مشتمل بر پاسخ دقیق به پرسش‌های تحقیق است.

۴-۱. ویژگی‌های کلی رویکرد قصاصون به تفسیر قرآن

اکنون لازم است ویژگی‌های کلی رویکرد آنها را به تفسیر قرآن بررسی کنیم. اهم ویژگی‌های کلی رویکرد قصاصون به حوزه تفسیر قرآن به قرار ذیل است:

۴-۱-۱. پراگویی در تفسیر و بیان مطالب حاشیه‌ای

یکی از ویژگی‌های رویکرد قصاصون در تفسیر قرآن، پراگویی در تفسیر قرآن و بیان مطالب حاشیه‌ای و غیر مفید به حال تبیین و تفسیر مفاد آیات قرآنی است. آنان حتی در تفسیر واژگانی از قرآن که مدلولی صریح یا ظهور روشن و غیر مبهمی داشتند، سخنانی طولانی و عجیب و غریب نقل می‌کردند (ر.ک؛ قرضاوی، ۱۹۸۸، ج ۱: ۶۷) برای نمونه قصه گویی به نام دراج بن سمعان، حدیثی را به پیامبر نسبت داد که «ویل» نام دره‌ای در جهنم است که کافر در آن افکنده می‌شود و چنان عمیق است که با گذشت ۴۰ سال نیز به انتهای آن فرو نمی‌افتد. آل‌بانی صاحب کتاب ضعیف سنن ترمذی، تصریح می‌کند که این حدیث ضعیف و غریب می‌باشد؛ « هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ، لَا نَعْرِفُهُ مَرْفُوعًا إِلَّا مِنْ حَدِيثٍ » (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۹۵). برخی تصریح کرده‌اند که واژه «ویل» به معنای تهدید به هلاکت است و این معنا از واژه «ویل» نزد عرب شناخته شده است (ر.ک؛ قرضاوی، ۱۹۸۸، ج ۱: ۶۷).

همچنین قصه سرای دیگری از بصره به نام عمرو بن فائد ابوعلی الأسواری (م ۲۰۱)، چندین هفته را به تفسیر یک آیه قرآن اختصاص می‌داد و ۳۶ سال مشغول تفسیر سوره بقره بود. او حتی تا زمان مرگ خود، نتوانست تفسیر سوره‌ای دیگر را آغاز کند. جاحظ دلیل آن را این چنین بیان می‌کند که آگاهی کاملی به سیره نبوی، تأویلات مختلف آیات قرآن و احادیث نداشت (ر.ک؛ جاحظ، ۱۳۴۵، ج ۱: ۲۹۴).

پراگویی قصه سرایان، امری پوشیده یا کم‌اهمیت از چشم نخبگان جامعه اسلامی نبوده است و برخی از نخبگان، قصاصون را از التزام به این ویژگی در تفسیر قرآن، برحذر می‌داشتند چرا که آن را موجب دلزدگی مردم از کتاب وحی (قرآن) می‌دانستند. برای نمونه، یکی از سه توصیه عایشه به ابن ابی سائب، قصه‌گوی مدینه آن بود که: «قُصَّ عَلَيَّ

النَّاسِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّةً، فَإِنْ أُبَيَّتْ فَمَثَلَيْنِ، فَإِنْ أُبَيَّتْ فَثَلَاثًا، فَلَا تَمَلُّ النَّاسُ هَذَا الْكِتَابَ» (ابن حنبل، بی تا، ج ۴۳: ۲۰). برای مردم در هر جمعه، تنها یک بار قصص بگو، اما اگر نخواستی دو یا سه بار این کار را انجام بده؛ و مردم را از این کتاب (قرآن) ملول مکن. ظاهر چنین توصیه‌هایی، قصه پردازان را در نقل سخنانشان به اعتدال دعوت می‌نماید و تلویحاً از نقل سخنان لغو، اسرائیلیات و تأویل‌های شخصی بر حذر می‌دارد.

۴-۱-۲. تحریف آیات قصص و داستان‌های انبیاء و شخصیت پیامبر اکرم (ص)

ویژگی دیگر رویکرد قصاصون در تفسیر قرآن کریم، تحریف همه جانبه مفاد آیات قرآنی حاکی از تاریخ انبیاء و نیز شخصیت گرامی و والا مرتب پیامبر اعظم اسلام (ص) است. یهودیان و قصاصون یهودی مسلک، در ضمن و به بهانه تفسیر و تشریح و تفصیل مفاد آیات قرآنی و داستان‌های انبیاء، تصویری آکنده از شهوت رانی و نفس پرستی و فسادهای اخلاقی، روحی و رفتاری از زندگی شخصی و اجتماعی پیامبران الهی و تاریخ حیات آنها ترسیم می‌کردند و آشکارا نسبت‌های جسورانه و زشتی به ساحت مقدس انبیای الهی می‌دادند. تفاسیری مثل طبری، مقاتل، ثعلبی و تفسیر کبیر، پر از چنین داستان‌هایی است و ابوابی از کتاب‌های صحیح مسلم، صحیح بخاری و سنن ابن ماجه مشتمل بر این قبیل مضامین است. این رویکرد تحریف آمیز که هدف آن، تخریب شخصیت معنوی و الهی انبیا است که این شخصیت، مبتنی بر تقوای شدید، زهد و عبودیت محض خداوند متعال و جهاد همه جانبه، مداوم و بسیار سخت گیرانه با نفس و شهوات و تسویلات نفسانی و شیطانی و طهارت و پاکی انبیا در تلقی و ابلاغ و عمل به وحی الهی و عصمت ضروری آنها است و تنزل دادن مقام انبیا به درک اسفل انسان‌های اسیر و عبد شهوات نفس و سراسر مادی و دنیاپرست می‌باشد، در محدوده تفسیر قصص و نقل وقایع حیات انبیای پیشین باقی نماند و به صورت ویرانگری، به حیات، وقایع و شخصیت مقدس رسول اعظم اسلام (ص) نیز کشیده شد (ر.ک؛ پاک نژاد، بی تا: ۱۴۷؛ قاسمی، ۱۳۸۰: ۴۳۳-۴۵۰) به عنوان نمونه، در برخی از روایات تحریف آمیز، تصویری که از پیامبر گرامی اسلام (ص) ترسیم شده،

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در...؛ اصغری ولوجایی و همکاران | ۸۱

خیلی طبیعی نمایانده شده است که پیامبر شعر و تصنیف می‌خواند و آوازخوانی را تأیید می‌کند و حتی در عروسی ابوسعید ساعدی از این که عروسی غنا ندارد، اعتراض می‌کند و با عروس هم صحبت می‌شود.

البته این خصوصیت تحریف‌آمیز و این تهمت‌های سنگین و نسبت‌های عمدتاً ناروای تخریب‌گر قصاصون نسبت به شخصیت پیامبر اسلام، به گونه‌ای قابل تأمل، واجد اغراض سیاسی بود و هدف کلی آنها، موجه جلوه دادن اقدامات خلفا بوده است. جعل احادیث از زبان پیامبر و یا تحریف احادیث صحیح صادر شده از ناحیه ایشان، به عنوان ابزاری مؤثر در عروج و سقوط افراد در اذهان جامعه اسلامی بود. به عنوان مثال، کعب و وهب و عبدالله بن سلام، آن قدر در فضیلت عثمان، احادیث مجعول منتسب به پیامبر اسلام (ص) را می‌ساختند و می‌پراکنند که شخصی مانند معاویه زبان به اعتراض می‌گشود و گفت: بس است برای ابوبکر و عمر بگویند (ر.ک؛ پاک نژاد، بی تا: ۱۴۷).

۴-۱-۳. تحریف اصول دین مبین اسلام

خصوصیت دیگر رویکرد قصاصون به تفسیر قرآن، تحریف و مبارزه با مغز اصول و مبادی دین مبین اسلام مانند توحید و نبوت و امامت است.

قصاصون علاوه بر تحریف شخصیت و تاریخ حیات انبیا به خصوص نبی مکرم اسلام (ص)، در پوشش تفسیر قرآن کریم، مغز و هسته اصلی دین مبین اسلام یعنی اصول آن از جمله توحید، نبوت، معاد و امامت را در معرض تحریف و بد فهمی و تخلیه آن از معارف و حیاتی قرآن قرار دادند. به عنوان مثال، سیوطی در کتاب «تحذیر الخواص» در گزارشی آورده است: «قصه گوی بغدادی در تفسیر آیه «... عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا» (اسراء/۷۹) گفته بود که پیامبر (ص) با خداوند بر عرش تکیه زده‌اند. روشن است که این تفسیر همزمان هم توحید و هم نبوت را، تحریف و تخریب کرده است. از این روست که وقتی محمد بن جریر طبری این سخن را می‌شنود با تعجب بسیار، انکارش می‌کند و بر در منزلش این ذکر را می‌نویسد: «سبحان من لیس له أنیس، ولا له فی عرشه جلیس». این جمله احساس عوام الناس را برانگیخت و چنان خانه ابن جریر سنگ باران شد

که راهش مسدود گشت (ر.ک؛ سیوطی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۶۱) و عمران بن حصین با شنیدن تفسیر یکی از قصاصون، آیه استرجاع بر زبان آورد و به این روایت نبوی تمسک جست که «أَفْرُؤُوا الْقُرْآنَ، وَسَلُّوا اللّٰهَ بِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَجِيءَ قَوْمٌ يَسْأَلُونَ النَّاسَ بِهِ» (قرآن بخوانید و از طریق آن از خداوند بخواهید؛ پیش از آنکه گروهی بیایند که قرآن را دست‌مایه کسب درآمد خود کنند) (ر.ک؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۴: ۴۴۵).

در چارچوب همین رویکرد، مقاتل بن سلیمان مبادرت به تفسیر آیه ۲۰ سوره انسان: «وَإِذَا رَأَيْتَ نَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا» نموده است: هر مردی در بهشت کاخی دارد که در اندرون آن هفتاد بهشت است و هر بهشت هفتاد تالار دارد که همه از مروارید مقرر ساخته شده است. طول و عرض هر مرواریدی دوازده هزار ذراع است و به آن از چهار هزار در بزرگ زرین می‌توان وارد شد. در درون هر تالاری تختی است مزین به قیطانه‌ای از مروارید و یاقوت زرد که در پیرامون آن چهل هزار کرسی طلا با پایه‌های از لعل کیود نهاده شده است. بر هر تختی هفتاد بال بوقلمون گسترانیده شده است که برگزیده خدا بر آن تکیه کرده، بر آرنج چپ می‌آساید (ر.ک؛ نوینا، ۱۳۷۳: ۸۰).

در پایان این بخش، ذکر این نکته خالی از فایده نیست که ممکن است بتوان خصایص دیگری برای رویکرد قصاصون در حوزه تفسیر قرآن، به خصایص فوق افزود اما از آنجا که عمدتاً این خصایص در ذیل خصوصیت‌های تبیین شده رویکرد قصاصون به تفسیر قرآن قرار می‌گیرد، از اشاره به آنها خودداری می‌کنیم.

علاوه بر این، اگر در همین خصایص رویکرد قصاصون به تفسیر قرآن کریم، نگاهی دیگر باریه بیفکنیم، به وضوح در می‌یابیم که رویکرد قصاصون که در حقیقت بازتاب ماهیت فعالیت کلی آنها در حوزه تفسیر قرآن و معارض با مفاد آیات قرآنی است، اساساً نه تنها در خدمت تفسیر حقیقی قرآن که به آگاهی بخشی و وضوح یا شرح یا تبیین آیات الهی کمک می‌نماید، نیست بلکه در خدمت نوعی مبارزه و جنگ با مفاد آیات الهی که متضمن مبادی و اصول توحید، نبوت، معاد و امامت اسلام و نیز قصص قرآنی و اشارات به زندگی و شخصیت‌های الهی و درس آموزانیا، در جهت مخفی نمودن، تحریف کردن و

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در ...؛ اصغری ولوجایی و همکاران | ۸۳

به حاشیه بردن متن اصلی پیام قرآنی، التباس حق به باطل و مسئله دار نمودن اذهان مؤمنین و محفوف نمودن معرفت نجات بخش دین در پوستین‌هایی از خرافه و جهل و فریب و در یک کلام، تهی نمودن قرآن از حقیقت و حیانی است.

به همین دلیل است که در تمامی روایات، مخالفت ائمه اهل بیت(ع) با قصه‌پردازان گزارش شده است. نخستین تقابل امامان شیعه با قصاصون، از امام علی(ع) است که در دوران خلافت، به شدت با قصه سرایان مبارزه نمودند. ایشان پس از ورود به شهر بصره، قصه‌گویی را که به جای وعظ و تفسیر، ناقل داستان‌های خودساخته به جای سیره پیامبران بودند، از مسجد اخراج نمودند و اجازه ندادند کسی در مساجد قصص بگوید (ر.ک؛ ابوطالب مکی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۶۸) همچنین آن حضرت فرمودند: هر کس داستان داود(ع) - افسانه معروف به داود و اوریا - را آن گونه که قصاصون روایت می‌کنند، روایت کند و بدان باور داشته باشد، ۱۶۰ تازیانه خواهد زد (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۱۹۰؛ میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۳۳۶).

با نظر به روایتی از امام صادق(ع) می‌توان استنباط کرد که مبارزه ائمه معصومین (علیهم‌السلام) با قصه‌پردازان جنبه‌های شدیدتری نیز داشته است: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) رَأَى قَاصًّا فِي الْمَسْجِدِ فَضَرَبَهُ بِالدَّرَّةِ وَ طَرَدَهُ». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۷، ۲۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۴۹) همچنین نقل شده است که امام سجاد(ع) نیز آن هنگام که حسن بصری را در حج به قصه‌گویی مشغول دیدند، وی را به دلیل سرگرم کردن مردم از طواف خانه خدا نکوهش کردند؛ در پی این تذکر دیگر حسن بصری قصص نگفت (ر.ک؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۲: ۷۰) افزون بر این در کتب روایی شیعه، یکی از مصادیق آیه «وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ» (انعام/ ۶۸) از لسان مبارک امام باقر(ع) قصاصون ذکر شده است (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۶۲) و امام صادق(ع) نیز آیه «الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (شعراء/ ۲۲۴) را بر قصه‌گویان تطبیق نمودند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴: صص ۱۰۹-۱۱۰) و حتی آن حضرت قصاصون را لعنت نموده و علت لعن آنها را تشنوع و بدگویی قصاصون نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) ذکر فرموده‌اند (ر.ک؛

مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ۲۶۴) و نیز استماع سخنان قصه‌گویان را جایز نشمرده‌اند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۱۰۹) و گمان قصاصون را مبنی بر این که هر کس در مجالس آنان شرکت کند، شقی و بدبخت نمی‌شود، خطا دانسته‌اند (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۸۶). همچنین امام رضا(ع) مقصود جد بزرگوارشان حضرت صادق(ع) را از عبارت «سفیهانی که نباید بدان‌ها علم آموخت» قصاصونِ مخالف اهل بیت توصیف کرده‌اند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۷).

۵. دلایل رویکرد منفی قصاصون در تفسیر قرآن

فعالیت‌ها و رویکرد منفی و مخرب قصاصون در حوزه تفسیر قرآن کریم، دارای علل متعددی است که در این جا به اهم این دلایل می‌پردازیم. این دو علل که در ادامه، آنها را تبیین می‌کنیم، دو دلیل کلیدی و اصلی رویکرد منفی قصاصون در حوزه تفسیر قرآن هستند و دلایل یا علل فرعی‌تر به نوعی به این دلایل بازگشت می‌کنند.

۵ - ۱. عدم آگاهی قصاصون به فنون و قواعد علم تفسیری

یکی از دلایل کلیدی رویکرد منفی قصاصون در حوزه تفسیر قرآن، ناآگاهی و عدم تسلط کافی و مؤثر آنها به علم تفسیر قرآن کریم است.

علم تفسیر مانند علوم دیگر، از قواعدی ویژه تبعیت می‌کند که رعایت آن برای استنباط صحیح مراد آیات الهی و کاهش خطای در تفسیر، ضروری است. برای رعایت قواعد یاد شده، مفسر باید از علومی برخوردار باشد که در پرتو آن، توانمندی لازم را برای تفسیر قرآن بر طبق آن قواعد به دست آورد. بر این اساس، آگاهی لازم به این علوم، از امور مورد نیاز در تفسیر به شمار می‌آید.

امام علی(ع) در ضمن بیانی نقادانه نسبت به قصه‌پردازان، آنها را به واسطه ندانستن محکم و متشابه، امر و نهی، ناسخ و منسوخ قرآن نکوهش کرده و از تفسیر بازداشته است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ قَالَ مَرَّ عَلِيٌّ (ع) عَلَى قَاصٍ فَقَامَ إِلَيْهِ فَقَالَ: هَلْ تَعْرِفُ النَّاسِيخَ مِنَ الْمُنْسُوخِ؟ قَالَ: لَا قَالَ هَلْ تَعْرِفُ الْمُحْكَمَ مِنَ الْمُتَشَابِهِ؟ قَالَ: لَا قَالَ: هَلْ تَعْرِفُ الزَّجْرَ

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در ...: اصغری ولوجایی و همکاران | ۸۵

مِنْ الْأَمْرِ؟ قَالَ: لَأُفَاخَذَ بِيَدِهِ فَرَفَعَهَا وَقَالَ إِنَّ هَذَا يَقُولُ اعْرِفُونِي اعْرِفُونِي» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۲؛ ابن جوزی، بی تا: ج ۱: ۳۱؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹، ج ۶: ۹۶؛ ابونعیم اصفهانی، بی تا، ج ۱: ۸۹؛ ابن مفلح، ۱۴۱۷، ج ۲: ۸۵)؛ علی (ع) به فردی قصه گو رسید، فرمود: آیا ناسخ از منسوخ را می شناسی؟ عرض کرد: خیر. فرمود: آیا محکم از متشابه را می شناسی؟ عرض کرد: خیر. فرمود: آیا زجر را از امر می شناسی؟ عرض کرد: خیر. بنابراین امام علی (ع) دست او را گرفت، آن را بلند کرد و گفت: قطعاً او می گوید: مرا آگاه کن، مرا آگاه کن (علم آن را به من بیاموز).

چنین اشاراتی در آثار متأخران هم دیده می شود و قصه پردازان نسبت به تفسیر قرآن و روایات تفسیری، جاهل و ناآگاه خوانده شده، و حدیث مشهور «لَا يَقْصُّ عَلَى النَّاسِ إِلَّا أَمِيرٌ أَوْ مَأْمُورٌ أَوْ مُرَاءٍ» (سیوطی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۷۵۸) را به جهل قصه سرایان ربط داده اند (ر.ک؛ ملاعلی قاری، ۱۴۰۶: ۶۳) همچنین باید به دیدگاه خطیب بغدادی اشاره کرد که معتقد است جمله مشهور احمد بن حنبل مبنی بر اصالت نداشتن مغازی، ملاحم و تفسیر، بر نوشته های خاصی دلالت می کند که در این باره به کتابت در آمده و اعتمادی بر آنها وجود نداشته باشد. سپس در توضیح بیشتر مقصود ابن حنبل، آنها را کتاب هایی می داند که نویسندگان ثقه نبوده، ناقلاش عدالت ندارند و قصاصون در آن دخل و تصرف کرده و افزوده های خویش را بدان وارد کرده اند.

۵-۲. اتکا و ابتدای به اسرائیلیات و نقل آنها

دومین دلیل مهم، کلیدی و شکل دهنده به رویکرد مخرب و منفی قصاصون به حوزه تفسیر قرآن، اتکا و ابتدای کامل، بی قید و شرط و همه جانبه قصاصون به روایات و قصص مأخوذ از متون یهودیت یعنی «اسرائیلیات» و نقل آنها در تفسیر قرآن کریم است.

این اتکای به اسرائیلیات و نقل و بازگویی آنها توسط قصاصون در ذیل آیات قرآن به عنوان تفسیر آیات، بیش از همه مسائل دیگر، مورد توجه دانشمندان اسلامی قرار گرفته است. قصاصون و یهودیان برای همسانی قرآن کریم با تورات تلاش فراوانی کردند. آنان پیوسته تلاش داشتند تا قرآن را همانند تورات، مشحون از داستان و افسانه جلوه دهند

و اساطیر و افسانه‌ها را با آیه‌های قرآن ارتباط دهند. یهودیان به تورات، به چشم کتاب الهی می‌نگریستند و از نظر آنها، روایاتی که با آن همخوانی نداشت، باطل تلقی می‌شد. آنها تورات را هم مرتبه قرآن قرار می‌دادند لذا کتابت تورات همراه با کتاب قرآن آغاز شد و از کاتبان آن وهب‌بن منبه بود (ر.ک؛ الکتانی، ۱۹۶۱: ۲۳۱) و گروهی از یهودیان تورات را نیز همراه با قرآن ختم می‌کردند (ر.ک؛ الحلبي، بی‌تا، ۲: ۲۱۶) از میمونه بنت ابن فروه روایت شده است که پدرم قرآن را در یک هفته و تورات را در شش روز ختم می‌کرد (ر.ک؛ امین، ۱۳۵۸: ۳۸۳).

در واقع، آنچه می‌توان با قاطعیت گفت این است که یهودیان و قصابون درصدد آن بودند که همان بلایی که بر سر کتب الهی پیشین از جمله تورات، آورده و آن را در چنگ تحریفات و اوهام و افسانه‌های کفرآمیز و شرک آلود گرفتار کرده بودند، بر سر آیات نورانی قرآن کریم نیز بیاورند. بر همین اساس است که اشخاصی مانند ابوهریره، به نقل روایات دروغین درباره آیات ناموجود در قرآن مبادرت می‌ورزند مانند این نقل تحریف - آمیز و شنیع درباره قرآن که آیاتی چند در قرآن بوده است از جمله «لَا تَرْغَبُوا عَنْ آبَائِكُمْ فَإِنَّهُ كَفَرَبِكُمْ أَنْ تَرْغَبُوا عَنْ آبَائِكُمْ» این روایت در صحیح بخاری و مسند احمد آمده است. دلیل چنین رویکردی به قرآن از ناحیه یهود تا حدودی روشن است چرا که قرآن کریم درباره فساد بنی اسرائیل افشاگری کرده بود و یهودیان سخت از این کتاب الهی، دل چرکین بودند.

برخی از نویسندگان، از منظری دیگر به زمینه نقل اسرائیلیات توسط قصابون در تفسیر قرآن کریم در جامعه اسلامی آغازین پرداخته‌اند. آنها آغاز پیدایش و نفوذ اسرائیلیات به حوزه تفسیر را عهد صحابه دانسته و یکی از منابع تفسیری را نیز اهل کتاب شمرده‌اند. دکتر ذهبی با اشاره به این نکته می‌نویسد: صحابه وقتی به طور طبیعی به داستان‌های قرآنی برخورد می‌کردند، دوست داشتند درباره زوایای پیچیده و پنهان آن، که قرآن متعرض آن نشده است، پرس و جو کنند ولی به جز یهودیان تازه مسلمان، کسی را که پاسخگوی آنان باشد، نمی‌یافتند و از این رو بسیاری از اخبار و اطلاعات را از آنان دریافت

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در ...؛ اصغری ولوجایی و همکاران | ۸۷

می‌کردند (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ج ۱، صص ۶۱-۶۲) وی در بخش دیگری از کتابش در مبحث ویژگی‌های تفسیر در دوره تابعین، به طور جداگانه به این امر اشاره کرده است که در این دوره، بسیاری از اسرائیلیات و نصرانیات وارد عرصه تفسیر گردیده است (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۳۰) از نظر رمزی نعناعه، سبب نفوذ روایات اهل کتاب در حوزه تفسیر قرآن در عهد تابعین این است که «در آن زمان بسیاری از اهل کتاب به آیین اسلام گرویدند و روایات و اخبار فراوانی را که راجع به خلقت، اسرار وجود و داستان‌های پیشینیان در اذهان خود داشتند از آن جا که در جامعه اسلامی، گرایشی شدید نسبت به شنیدن و دانستن تفصیل قصص قرآن وجود داشت، بازگو کردند و این امر موجب شد وضعیت تفسیر قرآن بدین بلا دچار گردد و به سبب سهل‌انگاری تابعیان، توسط مسلمانان نو آیین اهل کتاب نظیر کعب الاحبار و وهب بن منبه اسرائیلیات بسیاری بدون نقد و بررسی وارد تفسیر شود» (نعناعه، ۱۳۹۰: ۱) علامه طباطبائی نیز در مقدمه تفسیر المیزان، تفاوت اصلی تفسیر دوره تابعین از دور صاحبه را از منظر روش و منابع تفسیری در این می‌داند که در دوره تابعین «روایاتی به تفسیر افزوده شد که در میان آنها، روایاتی وجود داشت که یهود یا دیگران به طور پنهانی وارد تفسیر کردند؛ به ویژه داستان‌ها و معارفی که به موضوع آفرینش باز می‌گردد مانند پیدایش آسمان‌ها و زمین، دریاها، کاخ شداد، لغزش‌های پیامبران، تحریف کتاب و چیزهایی دیگر از این نوع که برخی از آنها در تفسیر متأثر از صحابه نیز یافت می‌شد» (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵-۶).

به نظر می‌رسد به دلیل نهی آشکار پیامبر اکرم (ص) از مراجعه به اهل کتاب و نسخه‌برداری از نوشته‌های آنان، بیشتر صحابه در زمان حیات پیامبر (ص) به خود اجازه نمی‌دادند که به آنان رجوع یا مطالبی را از آنان اقتباس و نقل کنند. گرچه بیشتر مورخان و مفسران، عصر صحابه را عصر پیدایش اسرائیلیات و نفوذ آنها در تفسیر، حدیث و به طور ویژه، تاریخ دانسته و مرجع اصلی عرب‌ها را جهت شناخت احوال و سرگذشت امت‌های گذشته و پیامبران الهی، تورات و اهل کتاب دانسته‌اند، تنها کسانی از صحابه به اهل کتب مراجعه می‌نمودند که از نظر علمی دارای بضاعت اندکی بودند و از این رو، متأثر و فریفته

سخنان آنان می‌شدند (ر.ک؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۷۹: ۸۰) به عنوان نمونه، علامه عسکری درباره تمیم‌داری و روایات ساختگی وی می‌نویسد: افرادی از صحابه که از نظر معرفت و اسلام‌شناسی چندان مایه‌ای نداشتند، همچون ابوهریره و انس و عبدالله بن عمر و نیز تابعین که می‌خواستند اسلام را از زبان تمیم‌ها بیاموزند، سخنان این عالم و راهب نصرانی تازه مسلمان را گرفتند و به صورت روایت برای نسل‌های بعد نقل کردند و این‌گونه بود که سلسله روایاتی که در علم حدیث‌شناسی بدان اسرائیلیات گفته می‌شود، به عالم اسلامی پا نهاد و در اینجا ماندگار شد و عنوان تفسیر و حدیث و تاریخ اسلامی به خود گرفت (ر.ک؛ عسکری، ۱۳۶۱: ج ۶: ۹۸) و در مقابل، از جمله شخصیت‌هایی که در بین صحابه، آشکارا در برابر این تهاجمات مخرب ناشی از اقدامات یهود و قصابون ایستادگی کردند، می‌توان از امیرمؤمنان علی(ع)، ابن مسعود و ابوذر غفاری، حذیفه بن یمان و خباب یاد نمود (ر.ک؛ دیاری بیدگلی، ۱۳۷۹: ۸۰).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که قصابون عمدتاً یهودی تازه مسلمان در همان سده اول اسلامی، با زمینه‌هایی که برخی از حاکمان اسلامی از طریق منع تدوین احادیث نبوی و رسمیت بخشی به قصه‌خوانی، برای فعالیت آنها فراهم ساختند (ر.ک؛ ابن شهبه، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۱) در علوم اسلامی مانند حدیث، تاریخ و تفسیر قرآن، اثراتی بر جای گذاشتند (ر.ک؛ احمد امین، بی تا، ج ۲: ۱۳۹). ماهیت فعالیت این گروه در حوزه تفسیر قرآن کریم، به علت استفاده از سبک روایی داستان‌های بشری و بی‌بند و باری در شرح قصص و آیات قرآنی، در تعارض و تقابل با مفاد آیات قرآن و آموزه‌های وحیانی اسلام قرار داشت. سه ویژگی مهم و اصلی‌پرگویی در تفسیر قرآن و ذکر مطالب حاشیه‌ای و غیرضرور و مضّر در تفسیر آیات قرآنی و تفاسیر تحریف‌آمیز از شخصیت و تاریخ وقایع انبیای الهی و نبی مکرم اسلام (ص) و تحریف و تخریب مبانی و اصول بنیادین دین مبین اسلام یعنی توحید، نبوت، امامت (ر.ک؛ سید محمدجعفر خلیلی، ۱۳۹۰: صص ۱۰۵-۱۲۴) و معاد، خصوصیات رویکرد منفی قصابون به تفسیر قرآن کریم است. علل اصلی فعالیت و رویکرد منفی و

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در ...؛ اصغری ولوجایی و همکاران | ۸۹

مخرب قصاصون در تفسیر قرآن کریم، عبارت از عدم آگاهی قصاصون به علم تفسیر قرآن و قواعد آن و نیز اتکا و ابتدای کامل، همه جانبه و مستمر بر اسرائیلیات می‌باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ali Asghar Asghari

Valujai

Hamid Mohammad

Ghasemi

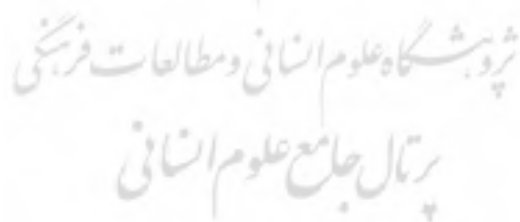
Seyyed Hossein Hosseini

Karnami

 <https://orcid.org/0009-0004-6211-4000>

 <https://orcid.org/0009-0001-2330-4491>

 <https://orcid.org/0009-0007-3274-7802>



منابع

- قرآن کریم. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (بی تا). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. بیروت: دار الأضواء.
- ابن ابی شیبه، عبدالله. (۱۴۰۹ق). *المصنف*. به کوشش سعید اللحام. بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر.
- ابن بابویه. (۱۳۸۵ق). *علل الشرائع*. قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن جزری، شمس الدین أبو الخیر. (۱۳۵۱ق). *غایه النهایه فی طبقات القراء*. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- ابن جوزی. عبدالرحمن بن علی. (بی تا). *نواسخ القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حنبل. احمد. (بی تا). *مسند*. بیروت: دار صادر.
- ابن سعد. (1418 ق). *الطبقات الکبری*. تحقیق: عبدالقادر عطاء. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شبه النمری، ابوزید عمر. (۱۴۱۰ق). *تاریخ المدینه المنوره*. تحقیق: فهیم شلتوت. قم: دارالفکر.
- ابن عدی، عبدالله. (۱۴۰۹ق). *الکامل*. به کوشش یحیی مختار غزاوی. بیروت: دارالفکر.
- ابن عساکر، علی بن حسن. (۱۴۱۵ق). *تاریخ مدینه دمشق*. به کوشش علی شیری. بیروت: دارالفکر.
- ابن مبارک، عبدالله. (۱۴۱۱ق). *مسند*. به کوشش مصطفی عثمان محمد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن مفلح، ابو عبدالله محمد. (۱۴۱۷ق). *الاداب الشرعیه و المنح المرعیه*. به کوشش شعیب الأرنؤوط. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. (بی تا). *حلیه الأولیاء طبقات الأصفیاء*. به کوشش شفیعی کدکنی. بیروت: دار ام القری.
- امین، احمد. (۱۳۵۸ ش). *پرتو اسلام*. ترجمه: عباس خلیلی. تهران: اقبال.
- _____. (بی تا). *ضحی الاسلام*. لبنان: دارالکتاب العربی.
- یدالله بن مسلم. (۱۴۰۸ق). *تأویل مختلف الحدیث*. تحقیق: عبدالقادر احمد عطاء. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
- بغوی، أبو محمد الحسین بن مسعود بن محمد بن الفراء. (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. محقق: عبد الرزاق المهدي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بلاغی، صدرالدین. (۱۳۸۱). *قصص قرآنی*. چاپ هفدهم. تهران: امیرکبیر.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۹۲). *پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اهل سنت*. تهران: دانشگاه امام

صادق(ع).

- پاک نژاد، سیدرضا. (بی تا). *یهود و قریش*. یزد: مؤسسه خیریه مهدیه.
- ترمذی، محمدبن عیسی. (۱۴۰۳ق). *سنن*. به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف. بیروت: دار الفکر.
- جاحظ، عمرو بن بحر. (۱۳۴۵ق). *البيان والتبيين*. قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.
- جعفریان. رسول. (۱۳۶۶ ش). *تاریخ سیاسی اسلام*. تهران: مؤسسه در راه حق.
- _____ . (۱۳۷۸ ش). *قصه خوانان در تاریخ اسلام و ایران*. بی جا: دلیل.
- حسینی میلانی، سیدعلی. (۱۴۲۵ق). *استخراج المرام من استقصاء الإفحام*. قم: چاپخانه شریعت.
- الحلبی، علی بن برهان الدین. (بی تا). *السیره الحلبیه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۹۹ق). *معجم البلدان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حنبلی، ابن رجب. (۱۴۲۵ق). *ذیل طبقات الحنابلہ*. المحقق: عبد الرحمن بن سلیمان العثیمین. الرياض: مكتبة العبيکان.
- خضیری، محمد بن عبدالله. (۱۴۲۰ق). *تفسیر التابعتین*. ریاض: دارالوطن.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الجامع لأخلاق الراوی وآداب السامع*. به کوشش محمود طحان. ریاض: مكتبة المعارف.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*. به کوشش مصطفی عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دیاری بیدگلی، محمدتقی. (۱۳۷۹). *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن*. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- دهانی، مجیب الرحمن و همکاران. (۱۳۹۸). *اسرائیلیات در داستان حضرت موسی*. دومین کنگره بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۳ق). *سیر اعلام النبلاء*. به کوشش شعیب الارنؤوط و حسین أسد. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ذهبی، محمدحسین. (۱۴۰۹ق). *التفسیر و المفسرون*. قاهره: مكتبة وهبه.
- سبط ابن عجمی، احمد بن ابراهیم. (۱۴۱۷ق). *کنوز الذهب فی تاریخ الحلب*. به کوشش شوقی شعث و فالح بکور. حلب: درالقلم العربی.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۳۹۴ق). *تحذیر الخواص من اکاذیب القصاص*. به کوشش محمد لطفی الصباغ. بیروت: المكتبة الاسلامی.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (بی تا). *تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای*. به کوشش ابوقتیبه الفاریابی. بی جا: دار طیبه.

السیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۱ق). *الجامع الصغیر*. بیروت: دارالفکر.

شجاع پوریان، ولی الله. (۱۳۹۰). *تأملی در شاخصه های قصه در قرآن*. مجله ادب عربی. شماره ۲. پاییز و زمستان. دوره ۵. شماره پیاپی ۲. اهواز.

شرتوتی، سعید. (۱۳۷۷). *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*. تهران: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه.

صفدی، صلاح الدین. (۱۴۲۰ق). *الوافی بالوفیات*. محقق: أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی. بیروت: دار احیاء التراث.

طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۶۳ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.

عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۷۶ش). *درآمدی بر سیره نبوی*. ترجمه: محمد سپهری. قم: دارالسیره. عسکری، سیدمرتضی. (۱۳۶۱ش). *نقش ائمه در احیای دین*. تنظیم: محمدعلی جاویدان. تهران: مؤسسه اهل البیت.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ش). *تفسیر العیاشی*. محقق: هاشم رسولی. چاپ اول. تهران: مکتبه العلمیه.

غزالی، محمد بن محمد. (بی تا). *احیاء علوم الدین*. بیروت: دار الکتب العربی. الفؤادی، عبدالهادی. (۱۹۶۶م). *القصص فی العصر الاسلامی*. بغداد: دارالزمان. فیروزآبادی، مجدالدین أبو طاهر محمد بن یعقوب. (۱۴۱۶ق). *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز*. محقق: محمد علی النجار. قاهره: احیاء التراث الإسلامی.

قاسمی، حمید محمد. (۱۳۸۰ش). *اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن*. تهران: سروش.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیه. قرضاوی، یوسف عبدالله (۱۹۸۸م). *المنتقى من کتاب الترغیب والترهیب للمنذری*. قطر: مرکز بحوث السنه و السیره.

الکتانی، عبدالحی (۱۹۶۱م). *التراتیب الاداریه*. دار احیاء التراث العربی. بیروت. محلاتی، ذبیح الله (۱۳۷۹ش). *قضاوت های حضرت امیرالمؤمنین*. تهران: قائم نوین.

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در ...: اصغری ولوجایی و همکاران | ۹۳

- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران.
- معین، محمد. (۱۳۹۱ ش). *فرهنگ معین*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ملاعلی قاری، نورالدین علی بن محمد. (۱۴۰۶ق). *الاسرار المرفوعه فی اخبار الموضوعه (الموضوعات الکبری)*. به کوشش محمد لطفی الصبا. بیروت: المکتب الاسلامی.
- نعناعه، رمزی. (۱۳۹۰ق). *الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر*. دمشق: دارالقلم و دار البیضاء.
- خلیلی، سید محمدجعفر. (۱۳۹۰). *نقش یهودیان در انحراف جامعه عصر خلف و مقابله با امام علی (ع)*. پژوهش نامه علوی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال دوم. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۹۰. صص ۱۰۵-۱۲۴.
- نویری، شهاب‌الدین أحمد بن عبد الوهاب. (۱۴۲۴ق). *نهایه الأرب فی فنون الأدب*. تحقیق: مفید قمحیه و جماعه. بیروت: دار الکتب العلمیه.

References [In Persian & Arabic]

- Quran, translated by Ayatollah Makarem Shirazi.
- Aghabozorg Tehrani, Mohammad Mohsen. (n.d.). *Al-Dhariah Ila Tasanif Al-Shi'a*. Beirut: Dar Al-Adwa. [In Arabic]
- Al-Kattani, Abdul Hayy. (1961). *Administrative Ranks*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Abunaim Isfahani, Ahmad ibn Abdullah. (n.d.). *Hilyat Al-Awliya Tabaqat Al-Asfiya*, edited by Shafi'i Kadkani. Beirut: Dar Al-Qura. [In Arabic]
- Amin, Ahmad. (1979). *Pervasive Islam*, translated by Abbas Khalili. Tehran: Eqbal. [In Persian]
- _____. (n.d.). *Zahayr Al-Islam*. Lebanon: Dar Al-Kutub Al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Tirmizi, Muhammad ibn Isa. (1982). *Sunan*, edited by Abdul Wahhab Abdul Latif. Beirut: Dar Al-Fikr. [In Arabic]
- Ameli, Ja'far Muradha. (1997). *An Introduction to the Life of the Prophet*. Translated by Mohammad Sepehri. Qom: Dar al-Sirah. [In Persian]
- Askari, Sayyid Muradha. (1982). *The Role of Imams in Reviving the Religion*. Compiled by Mohammad Ali Javidan. Tehran: Ahl al-Bayt Institute. [In Persian]
- Ayyashi, Mohammad bin Masoud. (2001). *Tafsir al-Ayyashi*. Edited by Hashem Rasouli. Tehran: Maktabat al-Ilmiyyah. [In Persian]
- Al-Fu'adi, Abdul Hadi. (1966). *Stories in the Islamic Era*. Baghdad: Dar al-Zaman. [In Arabic]
- Baghdawi, Abu Muhammad Hussein ibn Mas'ud ibn Muhammad ibn Al-Farra'. (1999). *Ma'alim Al-Tanzil Fi Tafsir Al-Qur'an*, edited by Abdul Razzaq Al-Mahdi. Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi. [In Arabic]

- Balaghi, Sadr al-Din. (2002). *Quranic Stories*, 17th ed. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Diyari Bidgoli, Mohammad Taghi. (2000). *Research on Israelites in Quranic Exegeses*. Tehran: Sohrevardi. [In Persian]
- Dehani, Majid al-Rahman et al. (2019). *Israelites in the Story of Prophet Moses*. Second International Congress on Innovation and Research in Humanities and Islamic Sciences. [In Persian]
- Firoozabadi, Majd al-Din Abu Taher Mohammad bin Ya'qub. (1996). *Basa'ir Dhawi al-Tamyiz fi Lata'if al-Kitab al-Aziz*. Edited by Mohammad Ali al-Najjar. Cairo: Ihya al-Turath al-Islami. [In Arabic]
- Ghazali, Mohammad bin Mohammad. (n.d.). *Ihya Ulum al-Din*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Husseini Milani, Sayed Ali. (2004). *Extracting the Objectives from Analyzing the Similes*. Qom: Chapekhaneye Sharie. [In Persian]
- Halabi, Ali ibn Burhan al-Din. (n.d.). *Al-Sirah Al-Halabiyyah*. Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi. [In Arabic]
- Hamawi, Yaqut ibn Abdullah. (1998). *Mu'jam Al-Buldan*. Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-Arabi. [In Arabic]
- Hanbali, Ibn Rajab. (2004). *Dhayl Tabaqat Al-Hanabilah*, edited by Abdul Rahman bin Sulaiman Al-Uthaimin. Riyadh: Maktabah Al-Ubaykan. [In Arabic]
- Ibn Abi Shaybah, Abdullah. (1988). *Al-Musannaf*, edited by Saeed Al-Lahham. Beirut: Dar Al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Babawayh. (1985). *Al-Illal Al-Sharai*. Qom: Davari Bookstore. [In Persian]
- Ibn Jazari, Shams al-Din Abu al-Khair. (1972). *Ghayat Al-Nihaya Fi Tabqat Al-Qurra*. Cairo: Maktaba Ibn Taimiyah. [In Arabic]
- Ibn Juzayy, Abd al-Rahman ibn Ali. (n.d.). *Nawaṣikh Al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Ibn Hanbal, Ahmad. (n.d.). *Musnad*. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
- Ibn Sa'd. (1998). *Al-Tabaqat Al-Kubra*, edited by Abdul Qadir Ata. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Ibn Shabba al-Nimairi, Abu Zaid Omar. (1990). *Tarikh Al-Madinah Al-Munawwarah*, edited by Fahim Shaltout. Qom: Dar Al-Fikr. [In Persian]
- Ibn Adi, Abdullah. (1989). *Al-Kamil*, edited by Yahya Mokhtar Ghazavi. Beirut: Dar Al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Asakir, Ali ibn Hasan. (1994). *Tarikh Madinah Dimashq*, edited by Ali Shiri. Beirut: Dar Al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Mubarak, Abdullah. (1990). *Musnad*, edited by Mustafa Usman Muhammad. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Ibn Muflih, Abu Abdullah Muhammad. (1996). *Al-Adab Al-Shar'iyah wa Al-Manahil Al-Mur'iyah*, edited by Shu'ayb Al-Arnaut. Beirut: Mawsu'at

- Al-Risalah. [In Arabic]
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (1993). *Lisan Al-Arab*, 3rd ed. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
- Jahiz, Amr ibn Bahr. (1927). *Al-Bayan wa Al-Tabyin*. Cairo: Al-Maktaba Al-Tijariyah Al-Kubra. [In Arabic]
- Jafarian, Rasul. (1987). *Political History of Islam*. Tehran: Dar Rah Haq. [In Persian]
- _____. (1999). *Storytellers in the History of Islam and Iran*. Unknown: Dalil. [In Persian]
- Khalili, Sayyed Mohammad Jafar. (2011). The Role of Jews in Society's Deviation during the Caliphate Era and Imam Ali's Resistance. *Alavi Research Quarterly*, 2(2), pp. 105-124. [In Persian]
- Khadiiri, Muhammad ibn Abdullah. (1999). *Tafsir Al-Tabariyin*. Riyadh: Dar Al-Watan. [In Arabic]
- Khateeb Baghdadi, Ahmad ibn Ali. (1982). *Al-Jami' li Akhlaq Al-Rawi wa Adab Al-Sami'*. Riyadh: Maktabah Al-Ma'arif. [In Arabic]
- Khateeb Baghdadi, Ahmad ibn Ali. (1996). *History of Baghdad*, edited by Mustafa Ata. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Mahallati, Zabihullah. (2000). *The Judgments of Imam Ali*. Tehran: Qaem Nowin. [In Persian]
- Mustafawi, Hassan. (1981). *Investigation into the Words of the Holy Quran*. Tehran: Book Translation and Publishing Agency. [In Persian]
- Mo'in, Mohammad. (2012). *Moin's Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Mulla Ali Qari, Nur al-Din Ali bin Mohammad. (1987). *Al-Asrar al-Marfu'ah fi Akhbar al-Mawdu'ah (al-Mawdu'at al-Kubra)*. Edited by Mohammad Lutfi al-Saba. Beirut: Al-Maktab al-Islami. [In Arabic]
- Nanaeh, Ramzi. (2011). *Israelites and Their Impact on Exegesis Books*. Damascus: Dar al-Qalam and Dar al-Bayda. [In Arabic]
- Nawayri, Shihab al-Din Ahmad bin Abdul Wahab. (2003). *Nihayat al-Arab fi Funun al-Adab*. Edited by Mofid Qamhiyyah et al. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Pakatchi, Ahmad. (2013). *Research on Hadith Collections of Sunni Muslims*. Tehran: Imam Sadegh University. [In Persian]
- Paknejad, Seyyed Reza. (n.d.). *Jews and Quraysh*. Yazd: Mehdi Charity Foundation. [In Persian]
- Qasemi, Hamid Mohammad. (2001). *Israelites and Their Influence on Prophet Stories in Quranic Exegesis*. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Qarshi, Sayyid Ali Akbar. (1992). *Quran Dictionary*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Persian]
- Qaradawi, Yousuf Abdullah. (1988). *Al-Muntakhi min Kitab al-Tarhib wa al-Tarhib li al-Mundhiri*. Qatar: Center for Sunnah and Sirah Studies. [In Persian]

- Subut ibn Ajami, Ahmad ibn Ibrahim. (1996). *Kunuz Al-Dhahab Fi Tarikh Al-Halab*, edited by Shuqi Shath and Falah Bakour. Halab: Dar Al-Qalam Al-Arabi. [In Arabic]
- Suyuti, Jalal al-Din Abdul Rahman. (2015). *Tahzir Al-Khawas Min Akathib Al-Qasas*. Beirut: Al-Maktab Al-Islami. [In Arabic]
- Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman. (n.d.). *Tadrib al-Rawi fi Sharh Taqrib al-Nawawi*. Edited by Abu Qutaybah al-Faryabi. Beirut: Dar Tayyiba. [In Arabic]
- Suyuti, Jalal al-Din. (1980). *Al-Jami al-Saghir*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Shojapurian, Valiullah. (2011). Reflections on the Aspects of Storytelling in the Quran. *Journal of Arabic Literature*, 5(2), Autumn and Winter. [In Persian]
- Shurtuti, Saeed. (1998). *Aqrab al-Mawarid fi Fasahat al-Arabiyyah wa al-Shawarid*. Tehran: General Administration of Hajj, Endowments, and Charitable Affairs. [In Persian]
- Safadi, Salah al-Din. (1999). *Al-Wafi bi al-Wafayat*. Edited by Ahmad al-Arnaout and Turki Mustafa. Beirut: Dar Ihya al-Turath. [In Persian]
- Tabatabai, Mohammad Hussein. (1984). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Alameh Tabataba'i Scientific and Cultural Foundation. [In Persian]
- Yadullah ibn Muslim. (1987). *Tawil Mukhtalif Al-Hadith*, edited by Abdul Qadir Ahmed Ata. Beirut: Cultural Books Foundation. [In Arabic]
- Zahabi, Muhammad ibn Ahmad. (1992). *Sir A'alam Al-Nubala*. Beirut: Dar Ihya Al-Turath. [In Arabic]
- Zahabi, Muhammad Hussein. (1988). *Al-Tafsir wa Al-Mufasssirun*. Cairo: Wahba Bookstore. [In Arabic]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: اصغری و لوجایی، علی اصغر، محمدقاسمی، حمید، حسینی کارنامی، سید حسین. (۱۴۰۲).

ویژگی‌ها و رویکردهای قصاصون در حوزه تفسیر قرآن در سده‌های اولیه اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف

قرآنی، ۱۴(۵۵)، ۶۷-۹۶. DOI: 10.22054/rjqk.2023.67845.2610



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.